

نظم آهنگ برخاسته از صفات حروف در سوره علق*

علی محمد میرجلیلی** و حمید حمیدیان*** و محمد مهدی خیبر****

چکیده

نظم آهنگ قرآن، آهنگ طبیعی برخاسته از صفات حروف، حرکات واژگان و شیوه چینش حروف در زنجیره آوایی واژگان و عبارات است که با محتوا و مضمون آیات ارتباط بسیار نزدیکی دارد. عامل «صفات حروف» به عنوان یکی از عوامل اثرگذار در نظم آهنگ، ریشه در ساختار متنی (و نه محتوایی) دارد. این امر، علاوه بر آنکه به گونه ای پیچیده و مرموز، تأثیرات شگرفی بر ضمیر ناخودآگاه مخاطب بر جای می گذارد، موجبات القای معانی در شنونده را فزونی می بخشد. از آنجا که اثرگذاری صفات حروف، هنگام نطق و بیان صوتی حروف آشکار می یابد، تأثیرپذیری نظم آهنگ از صفات حروف را باید در علم «آواشناسی شنیداری» یا «علم الاصوات السمعی» که آواها و صداها را فقط در بخش شنیداری مورد بحث قرار می دهد، جست و جو کرد.

نوشتار حاضر درصدد تبیین نقش صفات حروف در ایجاد نظم آهنگ و تقویت معنا در سوره علق می باشد. نتایج به دست آمده نشان می دهد که نظم آهنگ حاصل از صفات حروف این سوره، به زیبایی هرچه تمام تر توانسته محتوای روح بخش سوره را در کالبد تفکر مردم بدمد و معنای نجات بخش خویش را در جان مخاطبانش جای دهد.

واژگان کلیدی: قرآن، سوره علق، اعجاز بیانی، نظم آهنگ، صفات حروف، معانی حروف، آواشناسی.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۲۳ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۰۵/۰۴.

** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات دانشگاه میبد: almirjalil@meybod.ac.ir

*** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات دانشگاه میبد: hamidiyan@meybod.ac.ir

**** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد (نویسنده مسئول)، kheibrmohammadmehdi@yahoo.com

۱. مقدمه

قرآن کریم در دلالت و تلاوت معجزه است. از جمله جنبه‌های تلاوتی قرآن کریم، اعجاز نهفته در آوای زنجیره واژگان است که زیر مجموعه اعجاز بیانی می‌باشد. قرآن پژوهان از این وجه اعجاز قرآن به «نظم‌آهنگ» (معرفت، با جاری وحی، نظم‌آهنگ در قرآن، ۱۳۷۲: ۲۱-۱۷)، «موسیقی درونی» (سیدی و عبدی، ۱۳۸۴: سراسر اثر)؛ «اعجاز صوتی» (رزانی، درآمدی بر اعجاز صوتی قرآن کریم، ۱۳۸۳: ۷۷)؛ «هنر آوا معنایی» (راستگو، هنر سخن‌آرایی (فن بدیع)، ۱۳۸۲: ۷۷) و نیز «ایقاع درونی» (گرجمی و همکاران، بررسی مؤلفه‌های موسیقایی سوره «الحاقة»، ۱۳۹۶: ۱۳۳) تعبیر کرده‌اند. «صفات حروف» تأثیرگذاری فراوانی در این نوع از اعجاز دارد. در واقع، طنین حروف هرگاه در زنجیره آوایی واژگان و عبارات به گوش شنونده می‌رسد، نقشی بی‌بدیل در رسانش بار معنا، وضوح پیام و تأثیر روانی بر مخاطب دارد و به گونه‌ای حیرت‌انگیز میان نظم‌آهنگ و معنا، ارتباطی تعاملی و هم‌افزا برقرار می‌شود. برای پرداختن به اعجاز لفظی گفتاری باید به سراغ علم آواشناسی (Phonetics) رفت که در سه شاخه تولیدی، آکوستیک و شنیداری به مطالعه و توصیف آواها می‌پردازد (میرتقی، تجوید و آواشناسی، ۱۳۸۹: ۱۸-۱۷). آواشناسی شنیداری (Auditory phonetics) آن دسته از آواهای زبان را مورد مطالعه قرار می‌دهد که از طریق حس شنوایی دریافت می‌شوند (همان، ۱۸). بنابراین، صفات حروف را که هنگام نطق و بیان صوتی حروف آشکار می‌شوند، باید در حوزه آواشناسی شنیداری به بحث گذاشت و به این پرسش‌ها پاسخ داد که شیوه‌های دستیابی به نظم‌آهنگ برخاسته از صفات حروف در سوره علق کدام است؟ نظم‌آهنگ برخاسته از صفات حروف چگونه در القای مفاهیم سوره علق بر مخاطبانش تأثیرگذار است؟

۲. پیشینه

نخستین کسانی که به صورت علمی، به مسئله نظم‌آهنگ پرداخته و اجمالاً به تأثیر حروف و کلمات و کیفیت چینش آنها در تولید آهنگ ویژه برای معنایی توجه نموده‌اند، خلیل بن احمد فراهیدی (۱۷۵ ق) در مقدمه «العین» و شاگردش سیبویه (۱۷۷ ق) در «الکتاب» بوده است. فراء (۲۰۷ ق) در «معانی القرآن»، اصمعی (۲۱۳ ق) در «الاجناس»، جاحظ (۲۵۵ ق) در «البيان والتبيين» ابن جَنِّي (۳۹۲ ق) در «سَرِّ صناعة الإعراب» و «الخصائص»، ابوهلال عسکری (۳۹۵ ق) در «الصناعتین» و عبدالله بن محمد سنان خفاجی (۴۶۵ ق) در «سَرِّ

الفصاحة» نیز بدین موضوع پرداخته‌اند. احتمالاً اولین کسی که به این مسئله به دیده «اعجاز» نگریسته، در «نظم القرآن» و سپس ابوحنیفه دینوری (۲۸۲ق) در «نظم القرآن» هستند. نگاه زیباشناختی به قرآن، به ویژه نظم‌آهنگ آن، که بحث مهم کتاب‌های یاد شده است، کم‌کم به صورت روشمند در آمد. باقلانی (۴۰۳ق) در «اعجاز القرآن» و عبد القاهر جرجانی (۴۷۱ق) در «دلائل الاعجاز» و سپس زمخشری (۵۳۸ق) در «الکشاف» با نگاه کارشناسی پدیدارشناسانه و طبیعی به موضوع - البته بدون نظر به مبانی کلامی آن - بحث را اعتلا بخشیدند تا در عصر حاضر دوباره دانشمندان زبان‌شناس و قرآن‌پژوه، مسلم بودن نظم‌آهنگ قرآن را با تحلیل و بیان مثال‌های فراوان به کرسی نشاندند (سعدی، مجموعه مقالات نظم آهنگ قرآن کریم، ۱۳۸۵: ۵۷-۵۸).

دانشمندان آواشناسی جدید بر این نکته تأکید دارند که اصوات در یک زنجیره خاص بر هم تأثیرگذارند. در خصوص این پدیده صوتی در زبان عربی، تعداد کمی از پژوهشگران مانند ابراهیم انیس در «الاصوات اللغویة» و احمد مختار در «دراسة الصوت الغوی» و همچنین مستشرقانی همچون گوتهلّف برگشتراسر^[۱] در «التطور النحوی للغة العربیة» و جان کانتینو^[۲] در «دروس فی علم الاصوات العربیة» به تحقیق پرداخته‌اند. به پیروی از این افراد، این موضوع در خصوص آیات و روایات، از سوی برخی پژوهشگران مورد عنایت قرار گرفته که هر یک به نوعی می‌توانند پیشینه نوشتار پیش رو قلمداد شود. برخی از این آثار به قرار ذیل است:

۱. الصغیر، محمد حسین علی، «الصوت اللغوی فی القرآن»، بیروت: دار المورخ العربی، ۱۴۲۰ق. نگارنده در فصل ششم این کتاب، درصدد اثبات این نوع از اعجاز در قرآن کریم برآمده است.

۲. متقی‌زاده، عیسی، هادی نظری منظم و سید رضا موسوی، (۱۳۹۶)، «زیبایی‌شناسی ضرب‌آهنگ در سوره‌های نازعات و تکویر»، پژوهش‌های ادبی - قرآنی، شماره ۱. نویسندگان در این پژوهش در تبیین تأثیر فواصل و آواها در ایجاد ضرب‌آهنگ دو سوره نازعات و تکویر کوشیده‌اند.

۳. مختاری، قاسم و فریبا هادی‌فر، (۱۳۹۵)، «القاگری آواها در خطبه جهاد براساس نظریه موریس گرامون»، پژوهشنامه علوی، شماره ۱. نویسندگان در این پژوهش، تناسب و هماهنگی موجود بین الفاظ نهج البلاغه در خطبه جهاد را از دو منظر معناشناسی واژگان متقاربه المعنی در محور جانشینی واژگان و بررسی نظریه زبانی موریس گرامون مبنی بر القاگری آواها در متن، تحلیل معناشناسانه کرده‌اند.

۴. فلاح، ابراهیم و سجاد شفیع پور، (۱۳۹۴)، «کاربرد شناسی نشانه‌های آوایی در نظام معنایی قرآن کریم (تحلیل موردی سوره مرسلات)»، پژوهش‌های قرآنی در ادبیات، شماره ۳. نگارندگان این مقاله، به تبیین انواع کاربردهای نشانه‌های آوایی و ارتباط آنها را با معنا در سوره مرسلات بررسی نموده‌اند.

۵. سجادی، ابوالفضل و معصومه حسینی، (۱۳۹۰)، «آواها و القاه‌ها در سوره شریفه الزلزله»، حسنا، شماره ۱۱. نویسندگان این اثر، آیات سوره زلزله را از لحاظ آوایی بررسی و تحلیل کرده‌اند.

۶. سیدی، سیدحسین و زهرا عبدی (۱۳۸۴)، «تحلیل موسیقایی آیات قرآن (جزء سی به عنوان نمونه)»، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۴۷-۴۸. نویسندگان در این مقاله به ارتباط آواها با معنا از دو منظر موسیقی ظاهری و درونی پرداخته‌اند.

۷. زرانی، احسان (۱۳۸۳)، «درآمدی بر اعجاز صوتی قرآن کریم»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره ۱۵. نگارنده در این اثر به توصیف این اعجاز در قرآن کریم پرداخته است. پژوهش حاضر از دو جهت با سایر تألیفات صورت گرفته در این حوزه تفاوت دارد. نخست اینکه سوره مورد بحث سوره علق است؛ دیگر آنکه در این نوشتار از میان عوامل متعدد تأثیرگذار بر نظم آهنگ قرآن مانند فواصل آیات، تقدیم و تأخیر، واژه‌گزینی و ...، صرفاً به بررسی نقش «صفات حروف» در نظم آهنگ سوره علق می‌پردازد.

۳. مفهوم‌شناسی

۱-۳. نظم آهنگ

اصل واژه «نظم» بر کنار هم چیدن دلالت داشته (ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، بی تا: ۴۴۳/۵) و به معانی قرین ساختن چیزی با چیز دیگر یا ضمیمه کردن بخشی از یک چیز به بخش دیگر آن (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۵۷۸/۱۲) نیز آمده است. نظم آهنگ قرآن به معنای آهنگ طبیعی برخاسته از چگونگی گزینش و چینش حروف و کلمات قرآن کریم برای معانی در حد اعجاز است (سعدی، مجموعه مقالات نظم آهنگ قرآن کریم، ۱۳۸۵: ۵۸). دسته‌ای از محققان این امر را از مراتب اعجاز قرآن دانسته و از نام بردن آن با تعبیر «ایقاع درونی» و در تعریف آن گفته‌اند: ایقاع درونی عبارت از هماهنگی و نسبت ترکیبی کلمات و طنین خاص هر حرفی در مجاورت با حرف دیگر است (شفیعی کدکنی، موسیقی شعر،

۱۳۷۶: ۵۱). در مجموع نظم آهنگ قرآن، همان آهنگ طبیعی برخاسته از صفات حروف، حرکات واژگان و شیوه چینش حروف در زنجیره آوایی واژگان و عبارات است که ارتباط بسیار نزدیکی با محتوا و مضمون آیات دارد.

۲-۳. صفات حروف

حرف، صورت نوشتاری آواست که در ترکیب سازمان الفبایی آن زبان قرار می‌گیرد (پاملر، نگاهی تازه به معنی‌شناسی، ۱۳۶۶: ۳۳۱) و به عبارتی، حروف همان علایم نوشتاری آواها (صوت گفتاری) هستند. در تلفظ هر یک از حروف به طور جداگانه، خصوصیات منحصر به فردی وجود دارد که بسته به قرار گرفتن در یک زنجیره واژگانی خاص می‌تواند القاگر و تقویت‌کننده مفاهیمی ویژه باشد. این ویژگی‌های منحصر به فرد حروف، «صفات حروف» نامیده می‌شود که ناظر به کیفیت خروج صوت است و با «مخرج صوت» که ناظر به مکان خروج صوت است، تفاوت دارد. لغویان صفات حروف را بر اساس ملاک‌های چهارگانه‌ای به ذاتی و عارضی، اصلی و فرعی، قوی و ضعیف، لازم و عرضی تقسیم کرده‌اند. در کتاب «سرّ صناعة الإعراب» صفات حروف به ۱۷ دسته تقسیم شده است (ابن جَنّی، سرّ صناعة الإعراب، ۱۴۲۱: ۷۸-۷۵) که به صورت نمودار در جدول زیر ارائه می‌شود:

ردیف	صفت	حروف
۱	مهموسة	ح، ث، ه، ش، خ، ص، ف، س، ک، ت
۲	مجهورة	مابقی حروف به جز مهموسة
۳	شدیده	أ، ج، د، ت، ط، ب، ق، ک
۴	بین شدیده و رخوة	أ، ع، ی، ل، ن، ر، م، و
۵	رخوة	ث، ح، خ، ذ، ز، س، ش، ظ، ص، ض، غ، ف، ه
۶	مطبقة	ط، ظ، ص، ض
۷	منفتحة	تمام حروف بجز حروف مطبقة
۸	مستعلية	خ، ص، ض، ط، ظ، غ، ق
۹	مستقلة	مابقی حروف به جز حروف استعلاء
۱۰	اصوات الصغیر	ز، س، ص
۱۱	اصوات القلقة	ق، ط، ب، ج، د

ردیف	صفت	حروف
۱۲	اصوات المدّ و اللین	الف، و، ی
۱۳	اصوات المکرر	ر
۱۴	المستطیل	ض
۱۵	المتفشّی	ش
۱۶	المذلّقة	ف، ب، م، ر، ل، ن
۱۷	المصمّة	تمام حروف بجز مذلّقة

در نوشتار حاضر، صفات حروف از نظر قوّت و ضعف^[۳] بررسی شده است. با توجه به اینکه برخی صفات در تقابل با هم قرار می‌گیرند، محققان برخی صفات را در تضاد با هم دانسته‌اند. در زیر به سه دسته از آنها اشاره می‌شود:

الف) صفات قوی: جهر، شدت، اطباق، استعلاء، اصمات، قلقله، صغیر، تفشی، انحراف، تکریر، استطاله و غنه.

ب) صفات ضعیف: همس، رخوة، انفتاح، استفال، اذلاق و لین.

ج) صفات متضاد: جهر # همس، شدة # رخوة، اطباق # انفتاح، استعلاء # استفال و اصمات # اذلاق.

قابل ذکر است، گرچه نظام صوتی زبان عربی بر مجموعه‌ای از اصول نظری مبتنی است (جدول فوق) گاه در مرحله عمل، خلاف این اصول واقع می‌شود؛ برای نمونه، نام‌گذاری صوت معینی با صفت مجهوره، تنها به دلیل ملاحظه حالت‌های غالب آن صوت است و امکان دارد همین صوت در یک زنجیره آوایی دیگر، دارای صفت مهموسه شود. این امر درباره تمام اصوات عربی صادق است. نتیجه آنکه اتّصاف یک صوت به یک صفت معین، از نظر شدت و ضعف متفاوت بوده و به تأثیر اصوات مجاور آن در یک زنجیره واژگانی خاص بستگی دارد (ر.ک: حمد، الدراسات الصوتية عند علماء التجويد، ۱۴۲۸: ۳۲۷). عبدالدائم ازهری (۸۷۰ق) از این پدیده با عنوان «تأثیر مجاورة» تعبیر کرده و پس از بیان یکی از مصادیق آن، در صدد نتیجه‌گیری برآمده و گفته است: «احذر من تفخيم الباء «بَرْق» لمجاورتها الرءاء المفخمة؛ فإنّ اللسان يسبق إلى تفخيمها و كذا «باطل» لمجاورتها الالف المدية، فيسرع اللسان إلى

تفخیمها و تفخیم الالف المدیه و الطاء، بسبب المجاورة، إذ المجاورة لها تأثير» (ازهری، تهذیب اللغة، بی تا: ۲۷)؛ از تفخیم حرف باء در واژه «بَرَق» پرهیز نما؛ زیرا این حرف در مجاورت با حرف راء مفتحه قرار دارد و زبان در جهت تفخیم آن تمایل دارد. همچنین از تفخیم حرف باء در واژه «باطل» پرهیز کن؛ زیرا در مجاورت با الف مدّی قرار دارد و به دلیل مجاورت، زبان را به سوی تفخیم آن و تفخیم الف مدّی و حرف «طاء» سرعت می بخشد. [عکس قاعده عمومی صفات حروف رفتار کردن، به این دلیل است که] هم نشینی واژگان در یک زنجیره آوایی خاص [در چگونگی ادای آن صوت] تأثیرگذار است.

۴. معرفی اجمالی سوره علق

سوره علق سوره ای مکی و با ۱۹ آیه، نود و ششمین سوره قرآن کریم است. مشهور میان مفسران آن است که آیات نخستین این سوره، اولین آیاتی از قرآن است بر پیغمبر گرامی اسلام ﷺ نازل شده و محتوای آن نیز مؤید همین معناست. این سوره در آغاز به پیغمبر اکرم دستور قرائت و تلاوت می دهد. سپس از آفرینش این انسان با عظمت از يك قطعه خون بی ارزش سخن می گوید و در مرحله بعد، از تکامل انسان در پرتو لطف و کرم پروردگار و آشنایی او به علم و دانش و قلم بحث می کند. در ادامه از انسان های ناسپاسی که به رغم این همه موهبت و اکرام الهی، راه طغیان را پیش می گیرند، سخن به میان می آورد و سرانجام، اشاره به مجازات دردناک کسانی می کند که مانع هدایت مردم و انجام اعمال نیک هستند. در نهایت، سوره با دستور سجده و تقرب به درگاه پروردگار پایان می یابد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۲۷/۱۵۰).

۵. تأثیر صفات حروف در نظم آهنگ قرآن

در بیست و پنج مورد از قرآن کریم، واژه «سمع» بر «بصر» مقدّم شده است (برای نمونه، ر.ک: ﴿إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ (اسراء/ ۱)؛ ﴿إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ (غافر/ ۲۰)؛ ﴿وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ (شوری/ ۱۱)؛ ﴿وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ﴾ (حج/ ۶۱)؛ ﴿إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾ (انسان/ ۲). در توجیه این امر گفته شده است: «دستگاه شنوایی دارای ساختاری دقیق تر و حسّی گیراتر است و پیچیدگی بیشتری نسبت به دستگاه بینایی دارد. همچنین در تشخیص آواهای نامحسوس و چندلایه [نسبت به دستگاه بینایی] قوی تر عمل

می‌کند. بعلاوه، گوش‌ها این قابلیت را دارند که تمام اصوات را به صورت هجایی از هم تمییز دهند. بدین ترتیب، دستگاه بینایی با دستگاه شنوایی قابل مقایسه نیست» (نفاخ و نصرای، الوضوح السمعی و اثره فی الایقاع، ۲۰۱۸: ۴۳۲).

از نظر علم آواشناسی، میان ذهن و زبان یک رابطه ارگانیک لفظی و معنایی هست و متغیرهای ظریف زبانی، نمودی از متغیرهای ظریف معنایی به شمار می‌آیند و بالعکس. در واقع، زمانی که امواج صوتی گفتار به گوش شنونده می‌رسد، در پرده گوش، استخوان گوش میانی، ساختمان و مایعات گوش داخلی لرزش‌هایی پدید می‌آورد. این لرزش‌ها به ضربان‌های عصبی در اعصابی منجر می‌شود که گوش را با مراکز گفتاری مغز مربوط می‌کند (فرای، مقدمه‌ای بر آواشناسی آکوستیک (فیزیک گفتار)، ۱۳۷۴: ۲). «امواج صوتی گفتار» همان «صفات حروف» است که اتحادی ناگسستگی با موسیقی درونی واژگان یا نظم‌آهنگ آنها دارد؛ بنابراین، ارتباط و تأثیرپذیری نظم‌آهنگ از صفات حروف امری کاملاً طبیعی است که هم با علم آواشناسی و هم با فطرت انسانی مطابقت کامل دارد.

۶. شیوه‌های دستیابی به نظم‌آهنگ برخاسته از صفات حروف

در این پژوهش، جهت شناسایی و دستیابی به نظم‌آهنگ برخاسته از صفات حروف، ملاک و معیارهای ذیل در نظر گرفته شده است:

- ۱- ۶. بررسی ترتیب چینش صفات حروف در یک زنجیره آوایی معین (واژه، آیه، مجموعه‌ای از آیات، کل سوره).
- ۲- ۶. بررسی کمی تعداد آواهای دارای یک صفت خاص در یک آیه یا مجموعه‌ای از آیات.

۳- ۶. بررسی مقایسه‌ای در دو سطح ذیل:

- الف) نظم‌آهنگ برخاسته از صفات حروف با آیات دیگر سوره علق.
- ب) نظم‌آهنگ برخاسته از صفات حروف با آیات هم‌معنا در سور دیگر.
- ج) بررسی تعاملی نظم‌آهنگ برخاسته از صفات حروف با معنای واژگان.
- د) بررسی تعاملی نظم‌آهنگ برخاسته از صفات حروف با معنای آیه یا آیات.
- هـ) بررسی تعاملی نظم‌آهنگ برخاسته از صفات حروف با معنای کل سوره.

۷. نظم آهنگ برخاسته از صفات حروف

در ادامه، آیات سوره علق به ترتیب مطرح شده و نظم آهنگ آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است که ملاک دسته‌بندی آیات، همخوانی آیات از جهت آهنگ فواصل است. همچنین یکسانی پیام برخاسته از هر دسته، موجب شده تا غالب مفسران، به ویژه مفسرانی که به نظریه انسجام و یکپارچگی آیات و سوره‌های قرآن معتقدند، همین دسته‌بندی را در تفسیر خویش ملاک عمل قرار دهند (ر.ک: طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۰: ۲۰/۳۲۲-۳۲۷؛ سید قطب، فی ظلال القرآن، ۱۴۲۵: ۶/۳۹۳۸-۳۹۴۴).

قبل از شروع بحث به نکاتی باید توجه کرد:

اول - نظم آهنگ برخاسته از صفات حروف در حد فرضیه مطرح گردیده و جنبه ظنی و احتمالی دارد و از این نظر قطعیتی وجود ندارد؛ دوم - برای تکمیل بحث در موارد نادری از دیگر عوامل تأثیرگذار بر نظم آهنگ نظیر حرکات، مخارج و احکام حروف نیز کمک گرفته شده است؛ سوم - تأثیرات یاد شده زمانی کامل و دقیق اثر می‌کند که شنونده به معانی کلمات نیز آگاه باشد و در صورت بی‌خبری تأثیر کمتری دارد.

۱-۷. ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ (علق/۱)؛ «بخوان به نام پروردگارت که [همه آفریده‌ها را] آفریده». آیه آغازین سوره، به مثابه دستورالعمل است و در حقیقت پاسخی است به مشرکان عرب که ضمن پذیرش خالقیت خدا، ربوبیت را تنها برای بت‌ها قائل بودند (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۲۷/۱۵۶).

هنگام تلفظ همزه، تارهای صوتی به صورتی قرار می‌گیرند که هوا نمی‌تواند خارج شود؛ لذا هوا در قفسه سینه حبس می‌گردد. این تارها به یکباره جدا می‌شوند و هوا به صورت ناگهانی آزاد می‌گردد (غضنفری، تجوید، ۱۳۸۵: ۴۹) که صدای انفجاری آن در ابتدای قرائت توجه هر مستمعی را به خود جلب می‌نماید.

۶۹

آواشناسان بر این باورند که «انسان نخستین، پیش از آنکه بتواند دستگاه نطق خویش را در کنترل درآورد... و صدها هزار سال قبل از آنکه صداهای باء و میم را ابداع کند، می‌توانست صدای همزه را ادا نماید که این موضوع قدمت و دیرینگی و اصالت و فطری بودن آن را به اثبات می‌رساند» (حسن عباس، اصالت و تجدد در حروف معانی عربی، ۱۳۸۸: ۴۰). گویی خداوند با ابتدا به این حرف، اراده فرموده تا راه پیشرفت و تحول را از نخستین روزگاران نزول قرآن، بر روی آدمی بگشاید و توجه او را بدان جلب نماید.

تجمع دو صفت جهر و شده در حرف «ق» تلفظ آن را در حال سکون آشکارتر می‌کند و با این دیدگاه که عبارت «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ» در اولین لحظه از لحظات اتصال رسول خدا ﷺ با ملاً اعلی نازل شده (شاذلی، فی ظلال القرآن، ۱۴۱۲: ۳۹۳۸/۶) تناسب دارد، به ویژه اگر به این نکته توجه کنیم که این آیه متشکل از واژگانی است که در آن حروف مجهوره فراوان به کار گرفته شده است (ا/ق/ر/ا/ب/م/ر/ل/ذ/ی)، این تناسب بیشتر خودنمایی می‌کند.

ساکن بودن حرف مهموسه «س» میان دو حرف «ب» با صفت شده در عبارت «بِاسْمِ رَبِّكَ»، مجلس عالمی را ماند که مخاطبان شلوغ‌کاری را برای تعلیم امری مهم به سکوت و سکون دعوت می‌کند؛ چه حرف باء بیانگر گشایش و ظهور است (حسن عباس، اصالت و تجدد در حروف معانی عربی، ۱۳۸۸: ۷۶) که دارا بودن صفت قلقله و قرارگیری در میان دو حروف سکون (ر/ک) در لفظ «رَبِّكَ»، ظهور هرچه بیشتر ربوبیت خداوند را القا می‌کند.

منفتمی بودن تمامی حروف، موجب شده تا واژه «الَّذِي» نسبتاً رقیق تلفظ شود. حرکت هنگام نطق حرف یاء، که به پایین اشاره دارد و نیز صوت مدّی آن در سیاق دستور و فرمان، نقش بارزی در ایجاد و تقویت تواضع در برابر اوامر پروردگار ایفا می‌کند.

۷-۲. ﴿خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ﴾ (علق/۲)؛ [همان که] انسان را از علق به وجود آورد.

وقف بر یک واژه، نشان از مهلت دادن به شنونده برای مجسم کردن مفاهیم گفته شده دارد؛ بنابراین، وقف بر واژه «خَلَقَ» در پایان آیه اول و ذکر دوباره آن در آغاز آیه دوم، نوعی وقف اجباری است که تمرکز بر اهمیت خلقت را نشان می‌دهد.

حرف قاف به دلیل صفت استعلاء و سنگینی تلفظ آن، اثری شدید بر گوش شنونده دارد و در درونش قوت، خشونت و سنگینی را حمل می‌کند (داوود، الاسلوبية والصوفية، ۱۴۲۳: ۷۶)؛ از این رو، استماع حرف قاف در ابتدا و انتهای آیات (اقْرَأْ/خَلَقَ/خَلَقَ/عَلَقَ)، تسلط، قدرت و برتری پروردگار را بیشتر نمایان می‌سازد. برخی آوای برخاسته از حرف قاف را دالّ بر صدای شکفتن، شکافتن و شکستن در عربی می‌دانند (خوش‌منش، بررسی نظم‌آهنگ هجده سوره از قرآن کریم، ۱۳۹۴: ۱۹۰) که این ویژگی در این آیات نیز می‌تواند دلالت بر شکافتن و شکستن پرده عدم و شکفتن در عالم وجود معنا شود.

لفظ «إِنْسَان» به اعتبار فراموش کار بودن یا مأنوس بودن، برای وی وضع شده است (سیوطی، المزهرة فی علوم اللغة و انواعها، بی‌تا: ۴۰۳/۱). با غنه تلفظ نمودن حرف نون، آرامش و سکینه‌ای حاصل از حامی و پشتیبانی خداوند - به عنوان مربی انسان - بر قلب انسان وارد می‌نماید و ساکن بودن این صوت، این ویژگی را متناسب‌تر می‌کند.

«عَلَقَ» در اصل به معنای خون بسته [بدون حرکت] غلیظ است (ازهری، تهذیب اللغة، بی تا: ۱/ ۱۶۲). همچنین به «زالو» که برای مکیدن خون به بدن می چسبد، «علق» گفته اند (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۳۳۲: ۵۷۹). این کلمه در زنجیره آوایی اش، پس از ادای حرف عین، چون جزء حروف احتکاکی (سایشی) است، از بدون حرکت ماندن هوا در وسط حلق ایجاد می شود؛ لذا تلفظ آن، غلیظ است و به شکلی خارق العاده، تداعی گر حالات غلظت، چسبندگی و عدم تحرک در مراتب اولیه علقه می شود. آنگاه پس از عبور از (لام - که دارای صفت سکون و ضد قلقله است - به گذرانِ دورانِ توأم با آرامش علقه اشاره نموده و نهایتاً در قاف، به مخاطب تصویری گویا و پویا از فضای «فی قرار مکنون» رحم را ارائه می دهد.

صدای قاری به هنگام تلاوت آیه، چنان از حالت اوج آواهای تأثیرگذار «خَلَقَ الْإِنْسَانَ» (خ/ق/ن) و کشش الف مدی در «الْإِنْسَانَ» به فرود «مِنْ عَلَقٍ» در آواهای «ع/ق» می رسد، گویا می خواهد «قدرت‌نمایی عظیم پروردگار را روشن نماید که چگونه از موجودی چنان بی ارزش، مخلوقی چنین پر ارزش آفریده است» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۲۷/ ۱۵۶). در این آیه، همنوایی لفظ و معنا، عقول و قلوب مستمعان را مسحور خود می سازد و به گفته خلیل، حرف عین و قاف در جمله‌ای وارد نمی شوند مگر اینکه آن ترکیب را زیبا و نیکو می گردانند؛ چرا که دارای بیشترین قوت و قدرت موسیقایی هستند (فراهیدی، العین، ۱۴۰۱: ۱/ ۵۳). سکون‌ها (ق/ا/س)، تشدیدهای پیاپی (رَبِّ/الَّذِي)، قطع نفس‌های مکرر و در نتیجه، ریتم محکم آیات، در قاطعیت و قدرت تأثیرگذاری معنا فوق العاده است و می‌رساند که ای پیامبر آنچه بر تو وحی می‌شود، به قدرتِ مطلقه الهی است. در یک جمع‌بندی کلی، دو آیه نخست از سیزده نوع حرف تشکیل شده‌اند که سهم هر یک از صفات مهموس و مجهور به صورت ذیل است:

واژگان دارای صفت همس با فراوانی ۲۵ حرف (ل: ۵، همزه: ۴، ن: ۳، م: ۲، س: ۲، ک: ۱، ذ: ۱، خ: ۲، ی: ۱، ر: ۳، ع: ۱).

۷۱ واژگان دارای صفت جهر با فراوانی ۲۳ حرف (ل: ۵، ق: ۴، همزه: ۳، ن: ۳، م: ۲، ب: ۲، ذ: ۱، ر: ۲، ع: ۱).

صفت همس در طبیعت خویش، نماد نرمی و روانی است (عبدالرحمن، دراسة اسلوبية في سورة الكهف، ۱۴۲۷: ۱۰) که برآیند صوت حاصل از این صفت در این دو آیه، نزول سکینه بر قلب رسول مکرم اسلام ﷺ را به خواننده القا می کند. همچنین صفت جهر نماد قوت و شدت است (سعاد، مسرحية بلال بن رباح لمحمد العيد آل خليفة: دراسة اسلوبية، ۲۰۱۰:

۲۷)؛ بدین دلیل که ارتعاش منظم تارهای صوتی در خلال تلفظ، صوتی آهنگین را به وجود می‌آورد (انیس، آواشناسی زبان عربی، ۱۹۶۱: ۲۰). برآیند صوتی این حروف را می‌توان ناظر به تقویت اطمینان نفس و قوت قلب آن بزرگوار دانست.

۳-۷. ﴿اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾ (علق/ ۳-۵)؛ «بخوان در حالی که پروردگارت کریم‌ترین [کریمان] است. همان‌که به وسیله قلم آموخت [و] به انسان آنچه را نمی‌دانست، تعلیم داد».

تکرار فعل «اقْرَأْ» حالت دور و چرخشی اجباری را ترسیم می‌کند تا مستمع با مرور از اول سوره و از طریق مقایسه با آن، به مفاهیم بیشتری دست یازد، به ویژه اگر بدانیم از جمله معانی حرف راء، تکریر، ترجیع، جنبش و بریدگی است (حسن عباس، اصالت و تجدد در حروف معانی عربی، ۱۳۸۸: ۱۰۲) این امر، حالت رغبت انسان را در رجوع به ابتدای سوره و خوانش دوباره و چندباره آن، دوچندان می‌کند. در واقع، تکرار کلمه با پژواکی که در ذهن تولید می‌کند، مصدر تداعی و مفاهیم جدیدی است که با ایجاد موسیقی، در نفس گیرنده و شنونده اثرگذار است (ابو عامود، البلاغة الاسلوبية، ۱۴۲۰: ۲۸۶-۲۸۵). تکرار سه‌باره و پیاپی مشتقات (علم) [عَلَّمَ (۲ بار)/ يَعْلَمُ (۱ بار)] و با توجه به مفسره بودن آیات ۴ و ۵ برای ﴿رَبُّكَ الْأَكْرَمُ﴾، برآیند معنایی سه‌آیه، دلالت بر نهایت ارزشمند بودن علم نزد پروردگار دارد. نیز مقایسه کاربرد ترکیب ﴿رَبُّكَ الْأَكْرَمُ﴾ در سیاق آیات سوم تا پنجم سوره علق با ترکیب ﴿رَبُّكَ الْكَرِيمُ﴾ در سیاق آیات ﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ رَبُّكَ الْكَرِيمُ الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوِّكَ فَعَدَلَكَ﴾ (انفطار/ ۷-۶) فهم شرافت ذاتی استعدادهای علمی به نسبت استعدادهای جسمی حاصل می‌شود.

فراوانی ۳۴ حرف دارای صفت سکون (ل: ۹، م: ۷، همزه: ۵، ر: ۳، ع: ۳، ک: ۲، ن: ۲، س: ۱، و: ۱، ذ: ۱) به نسبت فراوانی ۴۱ حرف دارای صفت استعلاء، موسیقی آیات را ملایم نموده است. تکرار اصوات لام، میم، نون در میان آوای ساکن از وضوح بیشتری برخوردار است و به گفته برخی محققان، تکرار صوت مشخصی در عبارتی معین، علاوه بر رساندن دلالت معنایی خاص به مخاطب، احساسات او را نیز بر می‌انگیزاند، ساختار موسیقی متن را محکم می‌کند و باعث هماهنگی و توازنی در کلام می‌شود که به طور ذاتی در عبارت پنهان است (عبدالرحمن، دراسة اسلوبية فی سورة كهف، ۱۴۲۷: ۶). به علاوه، چون استماع آوای تکرار این حروف، نزدیک به آوای حروف لَین است، سلاست و روانی در قرائت را به همراه دارد؛ گویی زنجیره آوایی آیات چنان فضایی امن، دلنواز و روح‌افزا توأم با آرامش و سکینه را برای مخاطبانش فراهم می‌آورد که جان مستمع را جهت علم‌آموزی و رسیدن به مقام اکرام پروردگاری مشتاق‌تر می‌کند.

حرف میم در اثر فشردن لب‌ها به هم و سپس باز کردن آنها ادا می‌شود که نوعی فشردگی، استحکام و قدرت را القا می‌کند. با توجه به اینکه این حرف در انتهای فواصل آیات ذکر شده (الْأَكْزَمُ / بِالْقَلَمِ / يَغْلَمُ) دلالت بر نوعی گردآوری، الحاق و بسته بودن دارد (حسین عباس، اصالت و تجدد در حروف معانی عربی، ۱۳۸۸: ۱۱۲). همین عامل سبب شده تا موسیقی این دسته از آیات، در عین روانی، منسجم و مقتدر نشان داده شود. در مجموع، آهنگ این آیات علاوه بر نقش مکمل ضرب‌آهنگ آیات پیشین، روحیه خضوع، خشوع و کرنش هر انسان متفکری را در برابر پروردگارش القا می‌کند.

۴-۷. ﴿كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ * أَن رَّأَاهُ اسْتَغْنَىٰ * إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ﴾ (علق/ ۸-۶)؛ این چنین نیست [که انسان سپاس گزار باشد] مسلماً انسان سرکشی می‌کند. برای اینکه خود را بی‌نیاز می‌پندارد. بی‌تردید، بازگشت به سوی پروردگار توست.

آیه ششم، ردّ رفتاری است که انسان طغیان‌گر در مقابل نعمت‌های بزرگ الهی نظیر تعلیم به قلم و تعلیم از طریق وحی از خود نشان می‌دهد؛ زیرا انسان به جای شکر، کفران می‌کند... آیه هفتم علت طغیان انسان را بیان می‌کند و به طوری که از سیاق تهدید آیه هشتم بر می‌آید، این جمله تهدید به مرگ و بعثت است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۰: ۲۰/۳۲۴-۳۲۵).

سنت الهی همواره چنین بوده که هر زمان انسان، آفرینش و تکریم خداوندی را فراموش و به دارایی خود مغرور شود، مستحق چنین تهدید پیچیده و پر از ابهام خواهد شد (شاذلی، فی ظلال القرآن، ۱۴۱۲: ۶/۳۹۴۲). قیسی حرف طاء را جزء قوی‌ترین حروف دانسته، در وصف آن گفته است: «و الطاء من أقوى الحروف؛ لأنه حرف مجهور شديد مطبق مستعل» (قیسی، الرعاية لتجويد القراءة و تحقیق لفظ التلاوة، ۱۳۹۳: ۱۷۲). همنشینی حروف دارای صفات متضاد (طاء: شدت و قلقله) و (غین: رخوت و سکون) در فعل «لَيُطَغَى» مبین خشونت روح و سستی اعتقاد طاغیان است. به علاوه، با توجه به وجود حرف غین در افعال «لَيُطَغَى» و «اسْتَغْنَى» و دلالت این حرف بر نهفتگی، غیبت و وجدانیات (حسن، عباس، خصائص الحروف العربية و معانیها، ۱۹۹۸: ۸۴)، آوای این حروف به صورت ظریف و دقیق، طغیان‌گران را به وجدان خفته و نهفتن واقعیات درون متهم نموده و در واقع، با به تصویر کشیدن شخصیت طغیان‌گر، مستمعان را به دوری از طغیان دعوت می‌کند.

از ابن مسعود در توضیح روایت مشهور پیامبر اکرم ﷺ «مَنْهُمَانِ لَا يَشْبَعَانِ طَالِبُ عِلْمٍ وَ طَالِبُ دُنْيَا فَأَمَّا طَالِبُ الْعِلْمِ فَيَزِدُّهُ رِضَا الرَّحْمَنِ وَ أَمَّا طَالِبُ الدُّنْيَا فَيَتَمَادَى فِي الطُّغْيَانِ» از پیامبر اکرم (مجلسی، بحار الأنوار، ۱۴۰۳: ۱/ ۱۸۲) نقل شده است که آیات ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَ كَفَّارٌ﴾ (علق/ ۶۷) را ناظر به جوینده دنیا و آیه ﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾ (فاطر/ ۲۸) را اشاره به جوینده علم تفسیر نموده است (زحیلی، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج، ۱۴۱۸: ۳۰/ ۳۱۹)؛ بنابراین، نظم آهنگ بریده بریده، کوتاه و نفس گیر آیات ۶ و ۷ سوره علق که در اثر تشدید «إِنَّ»، سکون های پی در پی (ل، ن، ط، ن، س، غ) و مجاورت الف مدی با ضمیر هاء که در «رَأَى» پدید آمده، تداعی گر عطشی جانکاه و نفس گیر است که گریبان طالب دنیا را گرفته است، حال آنکه نظم آهنگ روان و آرامش بخش آیه ۲۸ سوره فاطر به دلیل حروف مدی متوالی (إِنَّمَا، اللَّهُ، عِبَادِهِ، الْعُلَمَاءُ) می تواند مؤیدی برای دیدگاه تفسیری ابن مسعود در تقابل آشفستگی روحی طالب دنیا و آرامش قلبی طالب دانش باشد.

۵-۷. ﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى * عَبْدًا إِذَا صَلَّى * أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَى * أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَى * أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَ تَوَلَّى * أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى *﴾ (علق/ ۹-۱۴)؛ مرا خبر ده آیا آن کسی که باز می دارد بنده ای را هنگامی که نماز می خواند؟ مرا خبر ده اگر این بنده نمازگزار بر راه راست باشد یا [دیگران را] به پرهیزکاری وادارد؟ [آیا آن بازدارنده سزاوار کیفر سخت نیست؟] مرا خبر ده اگر این بازدارنده [دین را] تکذیب کند و [از فرمان حق] روی برگرداند [مستحق مجازات سخت نیست؟! مگر ندانسته که قطعاً خدا [همه کارهایش را] می بیند؟

آیات نهم تا چهاردهم، جنبه مثل داشته و برای نمونه، درصدد ارائه چند مصداق از انسان های طاغی است. نیز به منزله زمینه چینی برای تهدید روشنی است که در آیات بعدی به مجازات کسانی که از اطاعت او نهی می کنند، تبدیل می شود. همین امر زمینه ای برای امر به عبادتش می شود (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۰: ۲۰/ ۳۲۵).

شاید بتوان علت آغاز این دسته آیات بجز آیه ۱۰ با حرف همزه را جلب توجه مخاطبان دانست؛ زیرا دلالت این حرف بر بروز و برجستگی است (حسن عباس، اصالت و تجدد در حروف معانی عربی، ۱۳۸۸: ۵۳). ابراهیم انیس، به نقل از برخی دانشمندان زبان شناس، دگرگونی آواها از شدت به رخوت یا به عکس را به حالت روحی مردم نسبت داده، می نویسد: «وقتی که مردم به ملایمت و ثبات میل دارند، آواهای زبان آنها از شدت به رخوت میل پیدا

می‌کند و وقتی به نیروی قدرت خویش می‌بالند، قضیه عکس می‌شود» (انیس، آواشناسی زبان عربی، ۱۳۸۴: ۲۰۷). در آیه ﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى﴾ (علق/ ۹) صرف نظر از حروف مدّی، ترتیب صفات حروف تمامی واژگان [أَرَأَيْتَ (أ/ ر/ ا/ ی: جهر + تَ: همس)؛ الَّذِي (أ/ ل: جهر + ذ: همس)؛ يَنْهَى (ی/ ن: جهر + ه: همس)] از صفت قوی جهر به صفت ضعیف همس در حال تنزل است و بر این اساس، می‌توان دلالت آیه را بر آماده نمودن مخاطبان جهت پذیرش محتوای آیات دانست.

در آیه ﴿عَبْدًا إِذَا صَلَّى﴾ (علق/ ۱۰) دلالت آوایی حرف عین بر برتری (حسن عباس، اصالت و تجدد در حروف معانی عربی، ۱۳۸۸: ۹۰)، حرف انفجاری همزه بر بروز (همان، ۵۳) و الف مقصوره بر عظمت (ضیایی، تحلیل و بررسی واژگان دارای مدّ در قرآن کریم با تأملی بر موسیقی کلام، ۱۳۹۳: ۱۲۷) همگام با معنا، شکوه و عظمت بنده نمازگزار را در نهایت زیبایی به تصویر کشیده‌اند.

علامه طباطبایی مرجع ضمائر موجود در «كَانَ» و «أَمَرَ» در آیات ﴿أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَى﴾ * أَوْ أَمَرَ بِالْتَّقْوَى﴾ (علق/ ۱۲-۱۱) را بنده نمازگزار دانسته است. همچنین مفعول اول و دوم «أَرَأَيْتَ» در آیات نهم، یازدهم و سیزدهم را به صورت زیر ارجاع داده است:

آیه	مفعول اول «أَرَأَيْتَ»	مفعول دوم «أَرَأَيْتَ»
﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى﴾ (علق/ ۹)	موصول «الَّذِي يَنْهَى»	آیه «أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى»
﴿أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَى﴾ (علق/ ۱۱)	«عَبْدًا»	آیه «أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى»
﴿أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى﴾ (علق/ ۱۳)	موصول «الَّذِي يَنْهَى»	آیه «أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى»

بر مبنای این ارجاع‌ها، ایشان آیات نهم تا چهاردهم را چنین معنا کرده است: «مرا خبر ده از کسی که نهی می‌کرد بنده‌ای را که نماز می‌خواند و خدا را عبادت می‌کرد و آیا این شخص نمی‌داند که خدا عمل او را می‌بیند و از حال او خبر دارد؟ و نیز مرا خبر ده از این نهی‌کننده که به فرضی که بنده نمازگزار نامبرده بر طریق هدایت باشد و به تقوی عمل کند، او چه حالی خواهد داشت؟ با اینکه می‌داند خدا او را می‌بیند و باز مرا خبر ده از این نهی‌کننده که اگر نهی‌اش تکذیب حق و اعراض از ایمان به حق باشد و با این حال شخص نمازگزار را از نماز

نهی می‌کند با اینکه می‌داند خدا می‌بیند، آیا جز عذاب استحقاق جزایی دارد؟» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۰: ۲۰/۳۲۶؛ نیز، ر.ک: آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۱۵: ۱۵/۴۰۵).

طبق ترجمه علامه، گویی نظم آهنگ آیات، فضای آرامش قبل از طوفان را ترسیم می‌کند. این اتمسفر از سویی با نبود حروف مشدد در آیه «أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَىٰ» (علق/ ۱۱) و مستفله بودن تمام حروف به کار رفته در آن (أ/ ر/ ی/ ت/ ن/ ک/ ع/ ل/ ه/ د) و از سویی دیگر، با افزایش ناگهانی بسامد واژگانی دارای حروف مشدده در آیات بعد [التَّقْوَىٰ / كَذَّبَ / تَوَلَّى] ترسیم‌گر فضای دهشتناک و پرتنش فشار بر شخص طاغی است. «أَرَأَيْتَ» در آیه «أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَ تَوَلَّى» (علق/ ۱۳) استفهام تعجبی است که تکرار آن تأکید تعجب است (قرشی بنایی، تفسیر احسن الحديث، ۱۳۷۵: ۱۲/۲۹۱). مشدد بودن حروف ذال و لام که اولی دال بر جنبش، سختی و بریدن (حسن، عباس، اصالت و تجدد در حروف معانی عربی، ۱۳۸۸: ۱۰۴) و دومی دارای صفات جهر و توسط است، بزرگی گناه تکذیب و روگردانی را بزرگ‌تر و عجیب‌تر جلوه می‌دهد. در آیه دوازدهم و سیزدهم بر خلاف آیه یازدهم، به مراتب، کمتر اثری از نرمی و لطافت آوا دیده می‌شود.

وجود حرف لام که نرم و روان ادا می‌شود، در الفاظ آغازین آیه «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ» (علق/ ۱۴)، به مثابه گفتار نرم و روانی است که آهسته و آرام در اندیشه و قلب آدمی گام می‌نهد و زمینه را برای باور «بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ» مهیا می‌سازد. در درون آیه، مشدد بودن الفاظ «بِأَنَّ اللَّهَ» حضور خداوند در عالم هستی را با تأکید بیشتری القا می‌کند.

دلالت صوت الف مقصوره بر امتداد (همان، ۶۲) و تکرار آن (يُنْهَىٰ / صَلَّى / الْهُدَىٰ / بِالتَّقْوَىٰ / تَوَلَّى / يَرَى) در سیاق تهدید، هم اشاره به وسیع و همه جانبه بودن تهدیدها دارد و هم فشار روانی تهدیدات پیچیده و مبهم ناشی از سؤال‌های توییخی را صدچندان سنگین‌تر می‌کند. سید قطب شیوه گفتاری این آیات را بریده بریده، سهل، تند و سریع دانسته، این روش را بهترین شیوه گفت‌وگوی زنده‌ای می‌داند که فضای تهدید را به نمایش می‌گذارد (سیدقطب، فی ظلال القرآن، ۱۴۱۲: ۶/۳۹۴۲). از منظری دیگر، چون الف مدّی بر دقّت و تأمل بیشتر دلالت دارد، تکرار آن می‌تواند به منزله دادن فرصت بیشتر به شنونده باشد تا مجال بیشتری برای تفکر در مفاهیم متکلم بیابد و به گفته صاحب تفسیر پرتوی از قرآن، گویا جواب شرط

«ان کان - ان کذب» از این جهت در کلام نیامده تا محدود نشود و ذهن مخاطب درباره این امکانات هر چه می تواند بیندیشد» (طالقانی، پرتوی از قرآن، ۱۳۶۲: ۴/۱۸۶).

در مجموعه آیات نهم تا چهاردهم، تکرار سیزده باره حرف انفجاری همزه و دلالت آن بر نوعی برجستگی (حسن عباس، اصالت و تجدد در حروف معانی عربی، ۱۳۸۸ش: ۵۳) به همراه تکرار سه باره حرف هاء در واژگان «يُنْهَى»، «الْهُدَى» و «اللَّهُ» و ویژگی حرکت و لرزش صدای آن، موجبات برانگیختگی توجه شنونده را به دنبال دارد. به علاوه، خودنمایی پنج باره حرف تاء که دلالت بر رقت، ضعف، نرمی و ناچیزی دارد (همان، ۸۴)، به خوبی توانسته تصویری گویا از ضعف شخصیت، سستی اعتقاد و ناچیزی کردار نهی کنندگان را از عبادت خدا در کانون توجهات قرار دهد.

۶-۷. «كَلَّا لَئِنْ لَّمْ يَنْتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ * نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ * فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ * سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ» (علق/ ۱۸-۱۵)؛ این چنین نیست که می پندارد، اگر باز نایستد، به شدت موی جلوی سرش را می گیریم. موی جلوی سر دروغگوی خطا پیشه را. پس اهل مجلس و انجمنش را فرا خواند. ما هم به زودی مأموران آتش دوزخ را فرا می خوانیم.

طبق این آیات، در مقابل صحنه سرکشی و طغیانی که انسان کفرپیشه انجام می دهد، نوبت به تهدید قاطعانه می رسد، اما این بار، تهدید نه در قالبی ابهام آمیز که به صورت صریح و آشکار بیان شده است (سیدقطب، فی ظلال القرآن، ۱۴۱۲: ۶/۳۹۴۲).

واژه «لَنَسْفَعًا» از ماده «سفع» به معنای علامت گذاردن و خوار کردن است (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۳/۳۲). از جمله معانی حرف فاء می توان به (کندن، بریدن و جدا کردن) اشاره کرد که با برخورد دندان های بالا بر لب پایینی در هنگام آغاز تشکیل این صدا شکل می گیرد (حسن عباس، اصالت و تجدد در حروف معانی عربی، ۱۳۸۸: ۵۰) که با معنای آیه کاملاً سازگار است. از میان بیست و چهار حرف تشکیل دهنده این آیه (ک، ل، الف، ل، ا، ن، ل، م، ی، ن، ت، ه، ل، ن، س، ف، ع، م، ب، ن، الف، ص، ی، ه)، پانزده حرف دارای صفت جهر است (ل، ل، ا، ن، ل، م، ی، ن، ل، ن، ع، م، ب، ن، ی) و ردع موجود در آیه را (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۰: ۲۰/۳۲۶) با شدت بیشتری به خواننده القا کرده است. از سویی در این آیه، حروف دارای صفت استفال (ک، ل، ل، ا، ن، ل، م، ی، ن، ت، ه، ل، ن، س، ف، ع، م، ب، ن، ی، ه) بیست و یک بار تکرار شده است که با توجه به معنای لغوی استفال که از ریشه «سُفِلَ» و به معنای دنو و پستی است (ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، بی تا: ۳/۷۸)، روحیه دنائت و زبونی فرد بازدارنده از نماز به تصویر کشیده شده است.

ترتیب حروف «ص»، «ذ»، «خ» و «ط» در آیه ﴿نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ﴾ (علق/ ۱۶) که از ادای حروف کم فشار «ص» و «ذ» به سمت حروف پر فشار و غلیظ «خ» و «ط» حرکت می‌کند، القاگر سوزناک‌تر، دشوارتر و پر فشارتر شدن لحظه به لحظه عذاب فرد طاغی است. همچنین مجرور بودن حرکات فواصل آیات، حالت شکستگی، خواری و ذلت فرد طاغی را بیشتر نشان می‌دهد.

دو آیه ﴿فَلْيَذُوقْ نَادِيَهُ * سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ﴾ (علق/ ۱۷-۱۸) علاوه بر اینکه از نظر معنا و محتوا مکمل هم هستند، از لحاظ نظم آهنگ نیز بسیار به هم وابسته‌اند. حرف فاء به دلیل دارا بودن صفات ضعیف همس، رخوه، انفتاح، استفال و اذلاق و حرف هاء با دارا بودن صفات ضعیف همس، رخوه، انفتاح و استفال، ضعیف‌ترین آواها را دارند. جمع شدن این دو حرف در آیه هفدهم، بیش از پیش، ضعف و سستی شخصیت فرد طاغی و هم پیمانش را به خواننده القا می‌کند.

آیات پانزدهم تا هجدهم، از نوزده حرف تشکیل شده که دوازده مورد آنها دارای صفت جهر و بقیه دارای صفت همس می‌باشند. این امر به خوبی حالت تنش میان دو تفکر مادی و معنوی را منعکس می‌کند. در پرتو این سرنوشت هراس‌انگیز، این سوره به آیات پایانی خود نزدیک می‌شود. خداوند در آخرین آیه با تأکید بر فرمانبرداری مؤمنان، استواری ایمان آنان را از طریق اطاعت در بهترین حالات نماز (سجده) می‌داند.

۷-۷. ﴿كَلَّا لَا تُطَعُّهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ﴾ (علق/ ۱۹)؛ این چنین نیست [که بتواند برای نجات خود کاری کند]، هرگز از او اطاعت مکن، و سجده کن و به خدا تقرب جوی.

در این آیه، ردع قبلی تکرار شده تا بر آن تأکید شده باشد (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۰: ۲۰/۳۲۷). آیه آخر در حکم نتیجه کلّ مفاهیم سوره است؛ همین امر، وجود نظم آهنگی منحصر به فرد را برای آیه طلب می‌کند. آمدن حرف مجهوره و مشدد «لام» پس از حرف مهموسه «کاف» در واژه «کَلَّا»، موجب تغییر بسامدی قوی شده که دل هر کافر تکذیب‌کننده‌ای را به وحشت می‌اندازد. تکرار متوالی حرف «لا» در عبارات «كَلَّا» و «لَا تُطَعُّهُ» و نیز وجود حرف مجهوره و مشدده و مستعيله طاء در «تُطَعُّهُ»، تأثیر فزون‌تری را بر قاطعیت این امر الهی القا می‌کند. حرف واو در «وَاسْجُدْ» از پرتاب نفس به درون دهان، همراه با بسته شدن لب‌ها به شکل یک حلقه کوچک تشکیل می‌شود که بیانگر فعالیت و تداوم است (حسن عباس، اصالت و تجدد در حروف معانی عربی، ۱۳۸۸: ۴۸-۴۷)؛ گویی پیامبر ﷺ را به ادامه عبادت پروردگارش ترغیب می‌نماید. وجود حرف سین در «وَاسْجُدْ»، القاگر سکون و

سکینه به قلب پیامبر است. «اَقْتَرِبْ» استغراق در معنای عبودیت است که در قالب سجود خود را نشان داده است (سید قطب، فی ظلال القرآن، ۱۴۱۲: ۳۴۳/۲۴). وجود ویژگی حرکت، پویایی و نرمش در صدای حرف واو، این حرف را به عنوان جلوه‌گرترین حرفی مبدل ساخته که بیانگر جهش و پرتاب در عطف است (حسن عباس، اصالت و تجدد در حروف معانی عربی، ۱۳۸۸: ۴۸-۴۹). عطف «اَسْجُدْ» بر «اَقْتَرِبْ» نوعی جهش و اوج گرفتن پیامبر ﷺ در عالم معنویت و قرب پروردگاری را القا می‌کند.

علاوه بر آنکه حرف قاف دارای صفت قلقله است و دالّ بر تحریک و جنبش می‌باشد و با حالت حرکت برای رفتن به سجده سازگاری تامّی دارد، می‌تواند تقویت‌گر جدیّت و اهتمام پیامبر در اطاعت‌پذیری از پروردگار باشد. شایان ذکر است که تکرار چندباره حرف قاف در جای‌جای این سوره، بر ابّهت و ارزشمندی محتوای پیام، اهتمام خداوند در جدی گرفتن امر تعلیم و تعلّم و مهم‌تر از همه، جلوگیری از ایجاد روحیه بی‌نیازی طلبی نسبت به خداوند را به مخاطب تلقین می‌کند.

نتیجه

۱. سبک گفتاری قرآن همانند سبک نوشتاری آن معجزه است.
۲. از آنجا که مخاطب اولیه قرآن، اعراب جاهل دارای تفکراتی جمودین و تعصباتی بوده‌اند، می‌طلبید که در مراحل ابتدایی نزول قرآن کریم، خداوند حکیم با سخنانی متقن، مستدل و قاطع در برابر روح سرکش و زیاده‌خواه آنان موضع‌گیری نماید. نظم آهنگ سوره به گونه‌ای اعجاز‌آمیز توانسته محتوای سوره را در جان مخاطب جای دهد و تأثیر روانی فوق‌العاده‌ای بر آنان بگذارد.

۳. موسیقی حروف و کلمات این سوره به گونه‌ای حیرت‌انگیز، آدمی را در شرایطی قرار می‌دهد که گویی قرآن بر او نازل شده و خداوند در حال سخن با اوست. در آیات عذاب نیز سختی و فشار روانی‌ای که بر انسان طغیانگر وارد می‌شود، از طنین حروف محسوس است.

۴. آهنگ برخاسته از صفات حروف، بستگی تامّی به حروف قبل و بعد از خود در یک زنجیره آوایی دارد و بر این اساس، می‌تواند القاگر معانی متفاوتی باشد.

۵. میزان تأثیرگذاری صفات حروف بر نظم آهنگ یک سوره، ضمن کاربرد در زنجیره آوایی (واژگان، آیات و عبارات) تعیین می‌شود؛ از این رو، باید نخست، صفات حروف را در زنجیره آوایی واژه، آنگاه آیات و سپس عبارات مختلف سوره، مقایسه و تحلیل کرد.

پی‌نوشت‌ها

[1] Gotthelf Bergsträsser

[2] Jean Cantineau

[۳] گفته شده که از نظر علمای تجوید، چه بسا واضع نظریه قوت و ضعف حروف، مکی بن ابی طالب است؛ زیرا وی از پیشگامان طرح این موضوع بوده است (حمد، الدراسات الصوتية عند علماء التجوید، ۱۴۲۸: ۲۸۰).

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه حسین انصاریان، قم: اسوه، ۱۳۸۳ ش.
۲. ابن جنّی، عثمان، سرّ صناعة الإعراب، تحقیق: محمدحسن اسماعیل، شحاته عامر و احمد رشدی، لبنان: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۱ ق.
۳. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحرير و التنوير، بیروت: مؤسسة التاریخ، بی تا.
۴. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، بی تا.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارالفکر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
۶. ابوعامود، محمد احمد، البلاغة الاسلوبیة، قاهره: مکتبة الادب، ۱۴۲۰ ق.
۷. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۸. ازهری، عبدالدائم، الطرازات المعلمة فی شرح المقدمة، اردن: دار عمار، بی تا.
۹. آلوسی سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: علی عبدالباری عطیة، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق.
۱۰. انیس، ابراهیم، الأصوات اللغویة، قاهره: دار الطباعة الحدیثة، ۱۹۶۱ م.
۱۱. انیس، ابراهیم، آواشناسی زبان عربی، مترجم: ابوالفضل علامی و صفر سفیدرو، قم: اسوه، چاپ دوم، ۱۳۸۴ ش.
۱۲. پاملر فرانک رابرت، نگاهى تازه به معنی شناسی، ترجمه، کوروش صفوی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۶۶ ش.
۱۳. حسن عباس، اصالت و تجدد در حروف معانی عربی، ترجمه ابراهیم زارعی فر، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۸ ش.
۱۴. حسن عباس، خصائص الحروف العربیة و معانیها، دمشق: اتحاد الکتاب العرب، ۱۹۹۸ م.
۱۵. حمد، غانم قدوری، الدراسات الصوتیة عند علماء التجوید، اردن: دار عمار، چاپ سوم، ۱۴۲۸ ق.
۱۶. خوش منش، ابوالفضل، «بررسی نظم آهنگ هجده سوره از قرآن کریم»، مطالعات فرهنگ ارتباطات، دوره شانزدهم، شماره ۶۲، ۱۳۹۴ ش.

۱۷. داوود، سلیمان امانی، الاسلوبیة و الصوفیة، اردن: وزارة الثقافة، ۱۴۲۳ق.
۱۸. راستگو، محمد، هنر سخن آرای (فن بدیع)، تهران: سمت، ۱۳۸۲ش.
۱۹. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، تهران: المکتبه الرضویه، ۱۳۳۲ش.
۲۰. رزانی، احسان، «درآمدی بر اعجاز صوتی قرآن کریم»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره ۱۵، ۱۳۸۳ش.
۲۱. زحیلی، وهبة بن مصطفى، التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، بیروت: دارالفکر المعاصر، چاپ دوم، ۱۴۱۸ق.
۲۲. سعاد، حمیتی، «مسرحة بلال بن رباح لمحمد العید آل خلیفة: دراسة اسلوبیة»، راهنمای: مبارکیه صالح، بآئنه: جامعة الحاج لخضر، ۱۴۳۰ق.
۲۳. سعدی، محمد جواد، مجموعه مقالات نظم آهنگ قرآن کریم، قم: نور گستر، ۱۳۸۵ش.
۲۴. سیدی، سیدحسین و نفیسه حاجی رجبی، «سبک‌شناسی آوایی دعای عرفه»، مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث، دوره چهل و هفتم، شماره ۹۵، ۱۳۹۴ش.
۲۵. سیوطی، جلال الدین، المزهرة فی علوم اللغة و انواعها، تحقیق محمد احمد جاد المولی و علی محمد بجای و محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار الجیل و دار الفکر، بی تا.
۲۶. شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم، فی ظلال القرآن، بیروت: دار الشروق، ۱۴۱۲ق.
۲۷. شفیعی کدکنی، محمدرضا، «موسیقی شعر»، تهران: آگه، چاپ پنجم، ۱۳۷۶ش.
۲۸. ضیایی، ثابت، تحلیل و بررسی واژگان دارای مدّ در قرآن کریم با تأملی بر موسیقی کلام، کرمانشاه: دانشگاه رازی، ۱۳۹۳ش.
۲۹. طالقانی، سید محمود، پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم، ۱۳۶۲ش.
۳۰. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۹۰ش.
۳۱. عبدالرحمن، مروان محمد سعید، دراسة اسلوبیة فی سورة الکهف، نابلس: جامعة نجاح الوطنية، ۱۴۲۷ق.

۳۲. غضنفری، علی، «تجوید»، تهران: نیلوفرانه، ۱۳۸۵ ش.
۳۳. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ ق.
۳۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، تحقیق مهدی المخزومی، و ابراهیم سامرائی، کویت: الرسالة، ۱۴۰۱ ق.
۳۵. فرای، دی. بی، مقدمه‌ای بر آواشناسی آکوستیک (فیزیک گفتار)، ترجمه نادر جهانگیری، مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۳۷۴ ش.
۳۶. قرشی بنابی، علی اکبر، تفسیر احسن الحديث، تهران: بنیاد بعثت، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
۳۷. قیسی، مکی بن ابی طالب، الرعاية لتجوید القراءة و تحقیق لفظ التلاوة، تحقیق احمد حسن فرحات، اردن: دار عمار، ۱۳۹۳ ق.
۳۸. گرجامی، جواد، غلامعباس رضایی، عادل آزاددل و سولماز پرشور، «بررسی مؤلفه‌های موسیقایی سوره "الحاقة"»، پژوهش‌های ادبی - قرآنی، دوره پنجم، شماره ۴، ۱۳۹۶ ش.
۳۹. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۴۰. معرفت، محمدهادی، «با جاری وحی، نظم آهنگ در قرآن»، وقف میراث جاویدان، شماره ۱، ۱۳۷۲ ش.
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۴۲. میرتقی، حسین، تجوید و آواشناسی، قم: مشهور، ۱۳۸۹ ش.
۴۳. نفاخ، عبدالکریم جدی و عادل عباس نصرآوی، «الوضوح السمعی و اثره فی الایقاع»، کوفه: اللغة العربیة و آدابها، دوره یکم، شماره ۲۷، ۲۰۱۸ م.